

طبق ماده 157 قانون تجارت، افزایش سرمایه از طریق صدور سهام جدید یا بالابردن مبلغ اسمی سهام موجود قابل انجام است. تادیه مبلغ اسمی سهام جدید نیز در ماده 158 قانون تجارت ذکر شده است. علاوه بر روش های ذکر شده در قانون تجارت برای افزایش سرمایه طبق آیین نامه اجرایی جزء «ب» بند 78 قانون بودجه سال 1390 کل کشور و آیین نامه اجرایی بند 39 قانون بودجه سال 1391 کل کشور و همچنین آیین نامه اجرایی ماده 17 قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و ...، افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی دارایی ها مطرح و مورد تصویب قرار گرفته است.

روش های افزایش سرمایه به شرح زیر است :

افزایش سرمایه از محل مطالبات و آورده نقدی سهامداران: زمانی که یک شرکت برای دستیابی به اهداف خود نیاز به نقدینگی جدید داشته باشد می تواند افزایش سرمایه از محل آورده نقدی را در دستور کار خود قرار دهد. شرکت ها معمولاً به منظور تامین مالی طرح های توسعه ای خود از این روش استفاده می کنند. در این راستا ممکن است سهامداران بابت سود سهام مصوب مجمع یا دلایل دیگر مبالغی از شرکت طلب داشته باشند که در صورت تمایل به شرکت در افزایش سرمایه به حساب آنها منظور می شود.

افزایش سرمایه از محل صرف سهام: اصطلاح افزایش سرمایه به روش صرف سهام به عنوان یک روش جداگانه مطرح نمی شود، بلکه در روش اول گنجانده می شود. اصطلاح صرف سهام معرف مبلغی است که اضافه بر ارزش اسمی برای هر سهم پرداخت می شود. زمانی که شرکتی افزایش سرمایه می دهد از هر یک از سهامداران خود می خواهد که مبلغی را به ازای هر سهم برای خرید سهام جدید به شرکت بیاورند. طبق ماده 160 قانون تجارت، شرکت می تواند سهام جدید را برابر مبلغ اسمی بفروشد یا اینکه مبلغی علاوه بر مبلغ اسمی سهم به عنوان اضافه ارزش سهام (صرف سهام) از خریداران دریافت کند. این مبلغ می تواند از ارزش اسمی هر سهم شروع شود و تا قیمت روز هر سهم برسد. در ایران معمولاً از سهامداران می خواهند که به ازای هر سهم 100 تومان (ارزش اسمی) به حساب شرکت واریز کنند. اما اگر از سهامداران خواسته شود مبلغی مازاد بر 100 تومان برای هر سهم واریز شود آن مبلغ مازاد بر ارزش اسمی به عنوان صرف سهام در قسمت حقوق صاحبان سهام در سمت چپ ترازنامه شرکت نشان داده می شود. طبق ماده 160 قانون تجارت، شرکت می تواند عواید حاصل از اضافه ارزش سهم فروخته شده را به اندوخته منتقل کند یا نقداً بین صاحبان سهام قانون تجارت، مجمع عمومی فوق 167 سابق تقسیم کند یا در ازای آن سهام جدید به صاحبان سهام سابق دهد. طبق ماده العاده که افزایش سرمایه را از طریق فروش سهام جدید تصویب می کند، می تواند حق تقدم صاحبان سهام را نسبت به پذیره نویسی تمام یا قسمتی از سهام جدید از آنها سلب کند. در ایران طبق تبصره 2 ماده 143 قانون اصلاحیه مالیات های مستقیم مصوب 1380/11/27، اندوخته صرف سهام مشمول مالیات مقطوع نیم درصدی است که شاید به این دلیل شرکت ها تمایل دارند افزایش سرمایه را همچنان با قیمت اسمی انجام دهند. همچنین این اقدام می تواند ناشی از نگرانی سهامدار عمده بابت از دست دادن کنترل خود یا عدم تمایل بازار و عدم آشنایی سرمایه گذاران با این روش باشد.

افزایش سرمایه از محل سود انباشته و اندوخته ها: معمولاً شرکت ها کل سود تحقق یافته طی یک دوره مالی را بین سهامداران تقسیم نمی کنند. میزان سود تحقق یافته، اما تقسیم نشده در حسابی تحت عنوان سود انباشته در سرفصل حقوق صاحبان سهام منعکس می شود و حتی گاه شرکت ها مبلغی از سود را در حسابی جداگانه تحت عنوان اندوخته طرح و توسعه ذخیره می کنند تا از این طریق در دوره های آتی طرح های مورد نظر خود را از محل منابع تخصیص داده شده اجرا کنند. از این رو زمانی که یک شرکت افزایش سرمایه از محل سود انباشته یا اندوخته تصویب می کند در حقیقت وجه نقد تازه ای وارد شرکت نمی شود و از آنجا که سهامداران در قبال سهامی که دریافت می کنند وجهی پرداخت نمی کنند. اصطلاح سهام جایزه را به کار می برند.

افزایش سرمایه از محل انتشار اوراق مشارکت قابل تبدیل: این روش افزایش سرمایه که در قانون تجارت نیز به آن اشاره شده است در بازار سرمایه ایران کمتر مورد استفاده قرار گرفته است. نمونه مورد استفاده از این روش توسط شرکت میلیارد ریال اوراق مشارکت قابل تبدیل با سلب حق تقدم از 2,000 پتروشیمی پردیس بوده است که در سال 1392 مبلغ سهامداران فعلی و با سررسید 2 سال منتشر کرده است. در این روش با پیش بینی قیمت هر سهم ضریب تبدیلی برای هر ورقه اوراق مشارکت تعیین می شود. برای مثال ارزش هر سهم شرکت پتروشیمی پردیس در تاریخ اعمال (1393/12/29) با در نظر داشتن 5 میلیارد سهم، مبلغ 13 هزار و 875 ریال برآورد شده است و از آنجا که ارزش اسمی هر ورقه اوراق



مشارکت قابل تبدیل به سهام یک میلیون ریال بوده است نسبت تبدیل معادل 72 سهم به ازای هر ورقه مشارکت تعیین شده است. در تاریخ اعمال هر دارنده اوراق مشارکت با ارائه هر ورقه صاحب 72 سهم خواهد شد و صرف سهام ایجاد شده ناشی از اختلاف بین ارزش اسمی و قیمت اعمال به صورت سهام جایزه به سهامداران قبلی اختصاص خواهد یافت.

افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی: طبق مفاهیم نظری گزارشگری مالی، خصوصیات کیفی اطلاعات ارائه شده در صورت های مالی شامل مربوط بودن و قابل اتکا بودن است. اطلاعات مربوط به اطلاعاتی گفته می شود که بر تصمیمات اقتصادی استفاده کنندگان در ارزیابی رویدادهای گذشته، حال، آینده یا تایید و تصحیح ارزیابی های گذشته آنها موثر واقع شود. همچنین اطلاعات قابل اتکا اطلاعاتی است که عاری از اشتباه و تمایلات جانبدارانه با اهمیت باشد و به طور صادقانه معرف آن چیزی باشد که مدعی بیان آن است. بر این مبنا دو نظام ارزشگذاری در حسابداری مطرح می شود. یکی نظام مبتنی بر بهای تمام شده تاریخی و دیگری نظام مبتنی بر ارزش های جاری. در بسیاری از کشورها از جمله ایران نظام مبتنی بر بهای تمام شده تاریخی مورد استفاده قرار می گیرد. کاهش قدرت خرید پول کشورها در طول زمان یا به عبارت دیگر، تورم و همچنین، تغییرات عمده در قیمت های کالاها و خدمات، موجب می شود اطلاعات مربوط به ارزش ثبت شده در صورت های مالی از ارزش های جاری که بیان کننده واقعیت های اقتصادی (های تاریخی) یا قیمت تمام شده هستند به شدت فاصله بگیرد و در نتیجه، اطلاعات مزبور برای تصمیم گیری های اقتصادی، نامربوط تلقی شود.

برای رفع این نقیصه دو روش حسابداری جامع وجود دارد که عبارتند از حسابداری برحسب ارزش های جاری که یکی از مشکلات عمده در ارتباط با کاربرد ارزش های جاری، پیچیدگی های حسابداری و ناآشنایی تهیه کنندگان و استفاده کنندگان صورت های مالی با این ارزش ها است که ممکن است موجب افزایش هزینه تهیه و استفاده از اطلاعات حسابداری شود.

راه حل دیگری که نقیصه نامربوط بودن اطلاعات را تا حدودی رفع می کند، ولی نقایص دیگری را از لحاظ قابلیت اعتماد و قابلیت مقایسه اطلاعات مالی پدید می آورد تجدید ارزیابی دارایی های ثابت است.

فرونی قیمت تعیین شده در تجدید ارزیابی بر ارزش ثبت شده یک دارایی، مازاد تجدید ارزیابی نامیده می شود. طبق بند 42 استاندارد حسابداری شماره 11، مازاد تجدید ارزیابی به عنوان یک درآمد غیر عملیاتی تحقق نیافته در سرفصل حقوق صاحبان سهام منعکس می شود. نحوه عمل حسابداری درخصوص مازاد تجدید ارزیابی منعکس شده در سرفصل حقوق صاحبان سهام به استثنای مواردی که به موجب قانون مشخص شده است باید در زمان برکناری یا واگذاری دارایی مربوط یا به موازات استفاده از دارایی توسط واحد تجاری مستقیماً به حساب سود (زیان) انباشته منظور شود و مبلغ مازاد قابل انتقال معادل تفاوت بین استهلاک مبتنی بر مبلغ تجدید ارزیابی دارایی و استهلاک مبتنی بر بهای تمام شده طبق بند 42 استاندارد حسابداری شماره 11، افزایش سرمایه از محل مازاد تجدید ارزیابی مجاز نیست. تاریخی آن است مگر در مواردی که به موجب قانون تجویز شده است. اما همان طور که در ابتدای یادداشت نیز عنوان شد در قانون تجارت اشاره ای به افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی نشده است و اختلاف نظرهایی نیز بر سر موضوع تجدید ارزیابی و مباحث مالیاتی آن نیز ایجاد شده بود. با تصویب آیین نامه اجرایی جزء «ب» بند 78 قانون بودجه سال 1390 کل کشور موضوع افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی برای شرکت هایی که در سال 1390 دارایی های خود را تجدید ارزیابی کردند، مجاز شد و همچنین فرآیند قانونی افزایش سرمایه از محل مازاد تجدید ارزیابی برای شرکت هایی که تا 24/06/1396 تجدید ارزیابی کنند با تصویب آیین نامه اجرایی بند 39 25/06/1391 دارایی های خود را از تاریخ قانون بودجه سال 1391 کل کشور و اصلاح بخش هایی از آن با عنوان آیین نامه اجرایی ماده 17 قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و ... مجاز تشخیص داده شده است. یکی از نکات مهم آیین نامه یادشده معافیت مالیاتی ناشی از تجدید ارزیابی است. در آیین نامه مزبور اشاره شده است که بنگاه های اقتصادی که طی پنج سال اخیر اقدام به تجدید ارزیابی دارایی های خود نکرده اند با رعایت مقررات آیین نامه از شمول مالیات معاف خواهند بود. طبق بند 33 استاندارد حسابداری شماره 11 نیز تجدید ارزیابی باید طی دوره 3 یا 5 سال تکرار شود که شرکت ها برای برخورداری از معافیت مالیاتی و همین طور رعایت الزامات استانداردهای حسابداری می توانند دوره تجدید ارزیابی را هر 5 سال انتخاب کنند.

نکته مهم دیگری که در ماده 4 آیین نامه اجرایی بند 39 قانون بودجه سال 1391 آمده است هزینه استهلاک دارایی به نسبت مازاد ناشی از تجدید ارزیابی دارایی است که به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی تلقی نخواهد شد و این موضوع اثر مضاعف در کاهش سود شرکت ها دارد؛ چراکه از یک طرف سود شرکت به دلیل افزایش هزینه استهلاک، کاهش می یابد و از طرف دیگر هزینه مالیات به دلیل عدم قبول ما به التفاوت هزینه استهلاک، افزایش می یابد. همچنین طبق ماده 6 آیین نامه یادشده، در زمان فروش دارایی های تجدید ارزیابی شده، مبنای محاسبه سود یا زیان ارزش دفتری دارایی قبل

از تجدید ارزیابی است که این خود یک انحراف نسبت به استانداردهای حسابداری است در حالی که طبق استاندارد 11 حسابداری، سود یا زیان نسبت به ارزش دفتری پس از تجدید ارزیابی محاسبه و مازاد تجدید ارزیابی به سود انباشته منتقل می شود

به طور کلی می توان گفت هدف استانداردهای حسابداری از تجدید ارزیابی دارایی ها رفع نقیصه نامربوط بودن اطلاعات است که بر این اساس یکی از دلایل یا به عبارتی یکی از مزایای عمده تجدید ارزیابی دارایی ها کمک به واقعی تر شدن صورت های مالی و تفسیر بهتر نسبت های مالی در شرکت های تولیدی است. از طرفی هر چند هزینه استهلاک خود یک هزینه غیرنقدی است و افزایش یا کاهش این هزینه مستقیماً تاثیری در جریان های نقدی شرکت ندارد، اما از آنجا که تصمیمات مجمع عمومی به ویژه در خصوص تقسیم سود نقدی بر مبنای صورت های مالی و سود خالص محاسبه شده در صورت سود و زیان است، از این رو افزایش هزینه استهلاک به عنوان یکی از هزینه های ثابت شرکت که منجر به کاهش سود شرکت می شود به تصمیم گیری بهتر در خصوص تقسیم سود کمک می کند

